

اعلام زمان مراسم وداع با علیرضا طبایی

مراسم تشییع و خاکسپاری علیرضا طبایی (شاعر و ترانه‌سرا) امروز برگزار می‌شود. احمد طبایی، فرزند این شاعر و ترانه‌سرای پیشکسوت درباره زمان مراسم تشییع و خاکسپاری پدرش به اینستاگفت: مراسم تشییع پیکر پدرم، ۲۱ شهریور از ساعت ۱۰ از مقابل خانه هنرمندان برگزار می‌شود و پس از آن برای خاکسپاری به قطعه نام‌آوران بهشت‌زهرای تهران منتقل خواهد شد. علیرضا طبایی، زاده ۱۴ آذر ۱۳۲۲ در شهر شیراز بود که روز دوشنبه در

نزدیک‌تر نباشد. اما نکته‌ای که بیش از هر چیزی باعث شده این فیلم اهمیتى دوچندان پیدا کند، جای خالی پیوست رسانه‌ای برای موضوعات حاکمیتی و ملی در سینمای ایران است؛ موضوعی که تا به حال تلاش کمی برای آن انجام شده و فیلم قلب رقه را می‌توان نمونه موفق‌ی از تولید یک پیوست رسانه‌ای برای حضور ایران در سوریه و مقابله با داعش در منطقه دانست. به همین جهت است که روزنامه جام‌جم به گفت‌وگو با عوامل و بازیگران این فیلم از جمله سعید پروینی، تهیه‌کننده پروژه؛ شادی مختاری، بازیگر نقش ریما و عبدالرضا نصاری، بازیگر نقش ابوعصام ضد قهرمان فیلم نشست تا نگاهی جزئی‌تر به فرآیند ساخت و پیام‌هایی که در این فیلم نهفته، داشته باشد. گفتنی است از کارگردان فیلم قلب رقه نیز دعوت شده بود که به جهت سفر ایشان به خارج از کشور امکان گفت‌وگو با ایشان میسر نشد.

۱] قلب رقه فیلمی در ژانر اکشن جاسوسی است؛ ژانری که سال‌ها در سینمای کشور نماینده‌ای نداشت. سؤال من مشخصاً این است که چرا وارد فرایند ساخت فیلمی در این ژانر شدید و چه چیزی را علت کم‌کاری سینما در این زمینه می‌دانید؟

سعید پروینی: قصه شروع قلب رقه این بود که آقای تقیانی پور طرحی را نوشته بود که پتانسیل‌های خوبی برای تولید داشت و این طرح در پیش تولید نرمی که داشتیم، دستخوش تغییر و اصلاح شد و به یک فیلمنامه نهایی که الآن روی پرده قرار گرفته، رسید. ما در پیش تولید هفت سفر به سوریه داشتیم و با کسانی که نبرد با داعش را تجربه کرده بودند و در زمان بحران در سوریه حضور داشتند، صحبت کردیم. آنها قصه‌ای را خواندند و نظرات خود را می‌گفتند و تجربه‌های واقعی‌شان را می‌شنیدیم و همه این موارد تا جایی که امکان داشت درون فیلمنامه گنجانده می‌شد تا فیلمنامه فضایی واقعی‌تری را پدیدآورد. ساخت فیلم قلب رقه یک دغدغه شخصی برای آقای تقیانی پور بود و زمانی که درباره آن با ما صحبت کرد، دیدیم که این دغدغه برای ما هم وجود دارد. در روند قصه به این نتیجه رسیدیم که اگر اکشن کار بیشتر باشد، از طرف مخاطبان با اقبال بیشتری مواجه می‌شود و به همین خاطر این فضا در فیلم پررنگ‌تر شد.

۲] صحبت‌هایی درباره فیلم می‌شود که به فیلم شما و فیلم‌هایی از این دست برچسب سفاکشی می‌زنند، در صورتی که این یک روال عادی در سینماست، می‌خواستم نظر شما را در مواجهه با این برچسب زنی بدانم.

پروینی: در خصوص این پروژه باید بگویم تا جایی که اطلاع دارم، از روز اول هیچ سفاکشی نه به آقای تقیانی پور و نه به من ارائه نشده و پولی نیز در اختیار مانگذاشتند که بگویند یک اثر استراتژیک سفاکشی بساز. قلب رقه در مرحله پیش تولید یک بار با آقای فرجی شروع شد اما آقای فرجی بنا به مشغله‌هایی که داشتند، از پروژه انصراف دادند و مرحله دوم پیش تولید قلب رقه از آبان ۱۴۰۱ آغاز شد و اول دی ماه پروژه کلید خورد. فیلم قلب رقه سه ماه پیش تولید جدی و سنگین را پشت سر گذاشت. اولین مجوزی که برای ورود به کشور سوریه توانستیم بگیریم، ۲۸ اسفندماه بود، یعنی طی پنج ماه پیش‌تولید و تولید هیچ موافقتی برای ورود به کشور سوریه صورت نگرفت، در صورتی که با یک اثر سفاکشی این‌طور برخورد نمی‌شود و از ابتدای کار همه چیز فراهم است. ما معضلات زیادی در شروع پروژه داشتیم؛ رفت‌وآمد،

تجهیزات نظامی و همه موارد دستخوش مسائلی بود اما از زمان ورود به کشور سوریه شرایط بهتر شد و جالب بود که در خارج از ایران خیلی بیشتر همراه پروژه بودند و ما به تجهیزات می‌دادند تا کار کنیم. حتی وقتی از ارتش سوریه پیگیری می‌کردیم که امکاناتی را در اختیار ما قرار بدهند، سریع‌تر به نتیجه می‌رسیدیم تا وقتی که در ایران می‌خواستیم به عنوان مثال از شهرک



۸۰ سالگی در منزل خود از دنیا رفت. اولین مجموعه شعرش با عنوان «جوانه‌های پاییز» در تیرماه ۱۳۴۴ منتشر شد. او از سال ۱۳۴۸ به ترانه‌سرایی روی آورد و طی چند سال موفق به خلق ترانه‌هایی ماندگار شد. طبایی همچنین ۱۴ سال مسئولیت اداره صفحات شعر مجله جوانان امروز را برعهده داشت. از این شاعر، این مجموعه‌های شعر منتشر شده است: «جوانه‌های پاییز» سال ۱۳۴۴، انتشارات پیروز، «از نهایت شب» سال ۱۳۵۰، انتشارات



بامداد، «خورشیدهای آن سوی دیوار» سال ۱۳۶۰، انتشارات توس، «شاید گناه از عینک من باشد» سال ۱۳۸۵، انتشارات آیینه جنوب (این مجموعه به عنوان کتاب سال، برگزیده جایزه شعر خبرنگاران شد)، «مادرم ایران» سال ۱۳۹۱، انتشارات شادان، «تندر اما ناگهانی‌تر» سال ۱۳۹۲، انتشارات آوای کلاز، «ناک کهنسال و خوشه‌های صبح» سال ۱۴۰۱، انتشارات آردمان و «عشق تو نمی‌میرد» (مجموعه ترانه) سال ۱۴۰۱ انتشارات آردمان.

تپش سینمای جاسوسفیلم «قلب رقه» توانسته به گونه سینمای جاسوسی که در ایران کمندارد

حرف‌های نهفته بیشتری وجود دارد.

شادی مختاری: من همیشه می‌گویم هر چیزی که جذاب است به همان اندازه هم می‌تواند ترسناک باشد و نقش ریما برای من خیلی جذاب بود که نقش یک دختر عرب با ملیت سوری را بازی کنم. با علم به این‌که گویش سوری یکی از سخت‌ترین گویش‌ها در زبان عربی است که خیلی فاصله دارد با عربی‌ای که در خورستان می‌شنویم. این مسأله یکی از سختی‌های نقش بود که البته هم استاد خوبی داشتم و هم تمرین‌های زیادی انجام دادم تا جایی که یک ماه با اطرافیان خودم قطع ارتباط کردم برای این‌که میزان فارسی صحبت‌کردنم به حداقل برسد و در تمام این مدت آثار تصویری و شنیدنی به زبان عربی را گوش می‌کردم. برای من خیلی جذاب نیست که کارهای آیرتمانی بازی کنم و ترجیحم این است تا نقشی را بازی کنم که جالشی برای من داشته باشد و چیزی در طول آن پروژه به من اضافه شود.

واقعیت دیگر هم این بود که ما به کشور سوریه به یک منطقه جنگی بود سفر کردیم. حتی در لوکیشن صحنه پایانی فیلم یک منطقه مین‌گذاری شده بود. ما از هتلی که در آن مستقر بودیم بمباران هوایی می‌دیدیم و آن قدر این مسأله تکرار می‌شد که برای ما هم عادی شده بود. این موضوع حتی برای گروه هم تهدیداتی ایجاد کرد و بعداً از تمام فیلمبرداری برای مانع‌تیرف کردند این مسأله که برای کسی اتفاقی نیفتاد بیشتر شبیه یک معجزه بود.

۳] آقای نصاری بغیرماید چه انگیزه‌ای باعث چنین نقشی از طرف شما شد، با توجه به این‌که پیش از این نیز در نقش‌هایی شبیه به آن هم حضور داشتید. آیا این انتخاب شخصی شما بود یا در چرخه‌ای که در سینما وجود دارد قرار گرفتید که وارد نقش‌های یکسان شدید؟

عبدالرضا نصاری: قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که این موضوع فقط مختص به سینمای ایران نیست و در سینمای جهان هم وجود دارد. اگر توجه کنید خیلی از بازیگرانی که وقتی وارد سینما می‌شوند برای این‌که دیده شوند حداقل پنج یا شش فیلم خوب اول‌شان ناخودآگاه در این چرخه قرار می‌گیرد و این به هوش بازیگر برمی‌گردد که چگونه این نقش‌ها را بازی کند که تکرار نشود. نوع این نقش‌ها ضد قهرمان است اما همین ضد قهرمان‌ها هم با یکدیگر تفاوت دارد؛ مثلاً ضد قهرمان فیلم تک‌تیرانداز با ضد قهرمان فیلم قلب رقه متفاوت است. اما شخصیتی که من در قلب رقه

بازی کردم، انگیزه‌های شخصی‌اش کاملاً با دیگر نقش‌ها متفاوت بود. عقده‌های روانی که این آدم دارد و عاشقانه‌هایی که این آدم دارد تا آنجا که پاشنه آشیل او عشقش به ریما بود چرا که این آدم می‌توانست همه چیز را برادر و برود اما تنها نکته‌ای که مانع رفتنش بود عشقش بود و همه چیزش را برای این عشق از دست می‌دهد. این ضد قهرمانی است که خاکستری بوده و از قضا در فیلمنامه هم اتفاق بسیار خوبی رخ داده که ضد قهرمان یک شخصیت سیاه کامل نیست. شاید در نظر ما یک داعشی یک کاراکتر کاملاً سیاه باشد اما در نظر خودش این‌طور نیست و آن آدم برای چیزی که می‌خواهد مبارزه می‌کند و این نکته جذابی برای من بود. من به واسطه دوستی‌ای که داشتم یک نفر با آقای تقیانی پور دارم صحبت‌هایی داشتم اما درباره این نقش هیچ صحبتی با من نکرد ولی حضور من به عنوان کسی که در گروه کارگردانی به عنوان مشاور لهنجه حضور داشتم خیلی بیشتر بود تا این‌که من شخص شد قرار است من این نقش را بازی کنم و تمام تمرکز من روی این نقش گذاشتم. انصافاً نقش ابوعصام نقش بسیار سختی بود چون هم باید نشان بدهی عاشقی و هم باید شرارت خود را نشان بدهی و البته برای من اندازه و حضور شخصیت خیلی مهم نیست برای من تأثیرگذاری آن مهم است.

۴] یکی از ویژگی‌های این فیلم جدا از ضعف و قوت‌هایی که دارد این است که برای این‌که بتواند تصویر درستی از داعش به نمایش بگذارد چهره ناآشنایی از داعش را پیش روی مخاطب می‌گذارد تا مخاطب با اصل و اوج شقاوت روبه‌رو شود.

سعید پروینی: این سؤال از ابتدا برای ما مهم بود. این‌که سوالاتی برای مخاطب ایجاد شود که چرا یک داعشی برای رسیدن به زن مورد علاقه خود که راه‌های مختلفی برای رسیدن به آن دارد اما انسانی با او برخورد می‌کند؛ باید توجه کرد که ابوعصام فرزند خوانده دکتر کریم است و از بچگی در این خانواده بزرگ شده همچنان که در دیالوگ‌ها هم به آن اشاره می‌شود و عاشق شخصیت ریماست. هم‌زمان در فیلم نشان می‌دهیم که دخترانی را برای تجاوز پیش او می‌آورند و یکی را انتخاب می‌کند؛ اما نسبت به شخصیت ریما احساس عشق دارد و نمی‌خواهد که او اذیت شود.

نکته شخصیت ابوعصام این است که چهره واقعی داعش است و ما نمی‌توانیم هر داعشی‌ای را که نشان می‌دهیم چهره‌ای گریه‌داشته باشد. ما آن تصویری که از داعش در خط مقدم دیدیم این‌گونه بود

نگاره

«تولد یک رویا» در نمایشگاه سقاخانه

نمایشگاه سقاخانه «تولد یک رویا» ۲۲ شهریور در گالری جاوید برگزار می‌شود. شایان شعبان، نقاش و پژوهشگر هنر، نمایش‌گردان این نمایشگاه است. او درباره جزئیات برگزاری این نمایشگاه گفت:

نمایشگاه سقاخانه تولد یک رویا به بررسی مهم‌ترین جریان هنری ایران معاصر یعنی جنبش سقاخانه در نگاهی پژوهش محور می‌پردازد. در این نمایشگاه ۲۲ اثر از ۹ هنرمند جنبش سقاخانه به نمایش درآمده است. آثاری دیده‌نشده و بدیع از ناصر اویسی، فرامرز بیلارام، ژاله تباتبایی، صادق تبریزی، پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، مسعود عرشاهی، منصور قندیز و بهژاد گلیاگانی در نمایشگاه سقاخانه تولد یک رویا ارائه شده است. او درباره نام‌گذاری این نمایشگاه گفت: طی دهه اخیر به عنوان یک پژوهشگر در هنر ایران مدت‌ها در تلاش برای برگزاری چنین نمایشگاهی بودم که پس از فراز و نشیب بسیار سرانجام به حقیقت پیوست. در کنار این نمایشگاه کاتالوگی از چگونگی شکل‌گیری جنبش سقاخانه ارائه و برای فروش عرضه می‌شود. این نمایشگاه ۲۳ شهریور تا ۹ مهر در گالری جاوید برگزار می‌شود.

صحنه

روایت طنز هادی مرزبان از ناصرالدین شاه

نمایش «قبیله عالم» جدیدترین ساخته هادی مرزبان بوده که قرار است هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه برود. متن این اثر که بر مبنای نمایشنامه «باغ شب‌نمای ما» اکبر رادی آماده اجرا شده، از اول مهر ماه اجرای خود را در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران آغاز می‌کند. این نمایش روایتی از زندگی و مرگ ناصرالدین شاه قاجار بوده که با زبانی طنز روایت می‌شود. در خلاصه داستان این اثر آمده است: قبیله عالم به اطرافیان، همسران و به‌ویژه ملیجک خود مشغول بوده و از صدای اعتراضی که جانش را تهدید می‌کند، غافل شده است.... ایرج راد، فرزانه کابلی، فرشید صدقی پور، آیه قبادیان، سپیده ارمان، محمدرضا بختیاری، حسام قریشی، علی بیگی، ستاره آقایی، علی بارلو، حمیدرضا زاله، کسرا رزایچی وفا، الیدا معتمد، گلریز ابراهیم، آرام لاشی‌زاده، محمدرضا خلیج، امیرحسین رستم‌خانی، امیررضا محرابی، بهروز بختیاری، غزال سیاح، محمدحسین اسحاقی بازیگرانی هستند که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. از دیگر عوامل این اثر می‌توان به: شهرزاد پورفر، آریتا خرمی (دستیار کارگردان)، وحید لاری (طراح صحنه)، منیره ملکی (طراح لباس)، کیمیا نوری (منشی صحنه) و... اشاره کرد.



انتشار سه عنوان جدید در سوره مهر

سه عنوان کتاب «نمایش‌های ایرانی»، «میرزا کوچک‌خان جنگلی» و «سه شب‌های عزیز؛ داستان‌های کارگانه» در انتشارات سوره مهر منتشر شد. اولین عنوان با نام «نمایش‌های ایرانی» (جلد ۱۳) به قلم صادق عاشورپور است. در سیزدهمین جلد، عاشورپور جشنواره‌های نمایشی را از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی کرده و به تفصیل درباره هر کدام توضیحاتی ارائه داده است. دومین کتاب، نمایشنامه‌ای از مرحوم امیرحسین فردی به نام «میرزا کوچک‌خان جنگلی» است. این نمایشنامه نخستین بار در سال ۱۳۶۰ در حوزه هنری انقلاب اسلامی منتشر شد و برای اولین بار بعد از سال‌ها تجدید چاپ شده است. آخرین کتاب «سه شب‌های عزیز؛ داستان‌های کارگانه» به اهتمام راضیه تجار گردآوری شده که شامل ۱۶ داستان کوتاه از هنرجویان کلاس‌های داستان‌نویسی تجار است.

